

سید مرتضی نبوی<sup>۱</sup>

مهدی صیدی<sup>۲</sup>

اسماعیل کرم زاده<sup>۳</sup>

سهراب عرفانی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۷

### چکیده:

در عرصه جهانی و روابط بین‌الملل، اقتصاد به‌عنوان مهم‌ترین عرصه رقابت، همکاری و تنازع بین ملت‌ها و دولت‌ها مطرح است. اقتصاد یکی از عواملی است که در سازمان‌دهی امنیت و قدرت ملی دارای جایگاه و نقش تعیین‌کننده است. اگرچه محور اصلی اقتدار جمهوری اسلامی ایران بر اساس مشروعیت نظام الهی - مردمی استوار است؛ تحقق این امر در شرایطی حاصل می‌شود که به‌موازات مشروعیت از کارآمدی در ابعاد مختلف از جمله اقتصاد برخوردار باشد. نگاهی به نام‌گذاری سال‌های اخیر نشان‌دهنده حساسیت مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به مسائل اقتصادی کشور است. حساسیتی که رنگ هشدار به خود گرفته است. در این تحقیق این سؤال اصلی مطرح است که الگوی راهبردی اقتدار اقتصادی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی چیست؟ هدف این مقاله ارائه الگوی راهبردی اقتدار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. برای پاسخ به این سؤال و دستیابی به این هدف با استفاده از اسناد بالادستی و منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در حوزه اقتصادی و اقتصاد مقاومتی و بر اساس یک تحقیق میدانی مبتنی بر روش داده بنیاد (نظریه مبنایی)، با شش نفر از خبرگان اقتصادی تا رسیدن به اشباع نظری مصاحبه نیمه‌باز صورت گرفت و بعد از کدگذاری باز، محوری و انتخابی الگوی راهبردی اقتدار اقتصادی در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تولید گردید. عوامل اقتدار اقتصادی شامل عوامل راهبردی، عامل علی، عوامل زمینه‌ای، عامل واسطه‌ای و عامل پیامدی استخراج گردید. نتیجه این تحقیق این است که می‌بایستی ابتدا در جهت رفع نقاط ضعف اقدام به اصلاح اقتصادی نمود. سپس با محور قرار دادن اقتصاد مقاومتی با استفاده از عوامل واسطه‌ای و زمینه‌ای، عوامل راهبردی را به مرحله اجرا درآورد. در این صورت اقتصاد می‌تواند وارد مرحله شکوفایی و توانمندی رسیده، درنهایت اقتدار اقتصادی را منجر شود.

**کلیدواژه‌ها:** اقتدار، اقتدار اقتصادی، الگوی راهبردی، اقتصاد مقاومتی

۱- مدرس دانشگاه و پژوهشگر ارشد حوزه رسانه

۲- دانشجوی دوره دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) seydi1394@gmail.com

۳- دانش‌آموخته دوره دکتری امنیت ملی و عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم انتظامی امین - es.karam.p@gmail.com

۴- دانشجوی دوره دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

## مقدمه:

در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی جهان امروز، اقتصاد یکی از ابزارهای راهبردی و کلیدی ایجاد قدرت و امنیت ملی کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است. در جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و قوانین برنامه‌های توسعه پنج‌ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور توجه ویژه‌ای به اقتصاد شده است.

اهمیت و نقش بارز قدرت اقتصادی در بناگذاری جامعه‌ای توانمند و آرمانی، بر کسی پوشیده نیست تا آنجا که می‌توان آن را از اولویت‌های دنیای امروز دانست؛ اولیوی که بر اساس آن بسیاری از محاسبه‌ها و معادله‌های جهانی شکل می‌گیرد. شکل نظام‌مند استفاده از ابزارهای اقتصادی به‌منظور رسیدن به هدف‌های سیاسی را می‌توان در برهه‌های مختلف تاریخی از جمله جنگ سرد و در تقابل بین دو بلوک شرق و غرب مشاهده نمود.

اقتصاد و عوامل اصلی مرتبط با آن از ارکان تعیین‌کننده اقتدار ملی است. به هراندازه ساختار سیاسی کشورها از توسعه‌یافتگی برخوردار باشند؛ نقش مؤلفه‌های اقتصادی افزایش مشهودتری پیدا خواهد کرد. امنیت ملی در کشورهای توسعه‌یافته تابعی از وضعیت اقتصادی است؛ به همین دلیل است که نقش مؤلفه‌های اقتصادی در امنیت ملی به‌صورت مرحله‌ای در حال افزایش است. کشورهایی که بتوانند به اقتدار اقتصادی دست یابند؛ طبعاً جایگاه مؤثرتر و تعیین‌کننده‌تری در حوزه کشورهای پیرامون خود به دست می‌آورند (امیری مقدم، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

در اسلام با توجه به نقشی که قدرت اقتصادی در افزایش اقتدار و افزایش توان اقتصادی جامعه مسلمین دارد به اقتدار اقتصادی توجه ویژه کرده است؛ به‌گونه‌ای که خداوند تدبیر خود را بر عدم حاکمیت کافران بر مؤمنان قرار داده است: «و خدا هرگز هیچ راه سلطه‌ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است» (سوره نساء: ۱۴۱).

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) توجه ویژه‌ای به ساماندهی اوضاع اقتصادی کشور به‌ویژه رفع نقاط ضعف حاکم بر اقتصاد ایران و مواجهه هوشمندانه با فشارهای اقتصادی دشمنان نظام به‌ویژه مقابله با تحریم‌های اقتصادی دول غربی داشته‌اند، به‌طوری‌که دهه چهارم انقلاب را دهه پیشرفت و عدالت نامیده‌اند و مهم‌ترین محورها و ارکان این دهه را، موضوعات اقتصادی اعلام فرمودند. نگاهی به نام‌گذاری سال‌های اخیر نشان‌دهنده حساسیت مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به مسائل اقتصادی کشور است. حساسیتی که رنگ هشدار به خود گرفته است. از

این رو موضوع اقتصاد در نام‌گذاری سال‌ها، استمرار اهمیت و نقش برجسته اقتصاد در رفع مشکلات کشور است که با عناوینی همچون اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، حماسه اقتصادی، اقتصاد فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی، اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل و در سال ۹۶ اقتصاد مقاومتی تولید و اشتغال در مسیر رفع دغدغه‌های اقتصادی کشور و ناکامی دشمن در عرصه تحریم‌های اقتصادی و تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی قلمداد می‌گردد. از این حقیقت نمی‌توان ساده گذشت که ظرفیت‌های بالقوه اقتصاد ایران هرگز نتوانسته آن‌طور که شایسته کشور است، به‌صورت بالفعل درآمده و دغدغه‌های اقتصادی را رفع کند.

یکی از جنبه‌های مهم پایداری انقلاب اسلامی وجه اقتصادی آن است که در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، تحلیلی خاص دارد. اقتصاد، مقوم و بسترساز بوده و دستیابی به سایر ابعاد اقتدار ملی را فراهم می‌سازد. دفاع در برابر تهاجم اقتصادی دشمنان، مستلزم سامانه اقتصادی قوی و منعطف با توان دفاع در مقابل تهدیدهای اقتصادی است که رهبر معظم انقلاب از آن به اقتصاد مقاومتی یاد کرده‌اند. وجود نارسایی‌های موجود در عرصه مدیریت اقتصادی کشور و مؤلفه‌های اقتدار اقتصادی، زمینه استفاده دشمن از این نقاط ضعف و عملی شدن جنگ اقتصادی را فراهم ساخته است. نبود درک یکسان و کم‌توجهی به سند اقتصاد مقاومتی در برابر تهدیدهای اقتصادی و عدم توجه به تأثیر مؤلفه‌های اقتدار اقتصادی در اقتدار ملی در چارچوب اقتصاد مقاومتی، موجب ضعف در بازدارندگی و توان مقابله با تهدید و توانمندسازی اقتصادی گردیده و به‌تبع، اقتدار اقتصادی را دچار چالش نموده است.

فقدان یک الگوی راهبردی برای کسب اقتدار اقتصادی نقص و مسئله‌ای است که بدون بررسی دقیق و طراحی و تمهید آن، نیل به این هدف که به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اگر اقتدار اقتصادی فراهم نشود، تحقق هیچ آرمان و هدفی امکان‌پذیر نخواهد بود را با نقصان و اختلافات گوناگونی مواجه می‌سازد. بر این مبنا فقدان یا ضعف مؤلفه‌های اقتدار اقتصادی در حوزه ملی و فراملی و همچنین فقدان الگوی راهبردی مناسب و مدون جهت رسیدن به اقتدار اقتصادی جمهوری اسلامی در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی، مسئله اصلی این پژوهش است... در این تحقیق، علاوه بر کاوش در مفاهیم، مقولات و مضامین اقتدار اقتصادی، بررسی و چگونگی

دستیابی به الگوی راهبردی کارآمد در عرصه اقتدار اقتصادی نیز از ابعاد مسئله شناختی این پژوهش به شمار می‌رود.

**اهمیت و ضرورت تحقیق:** چنانچه اهمیت به فواید و بعد ایجابی انجام تحقیق و ضرورت ضررها و بعد سلبی ناشی از عدم اجرای تحقیق اطلاق شود، می‌توان در قالب زیر به اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق اشاره نمود:

#### اهمیت:

۱. کمک به تبیین و دستیابی به مؤلفه‌های اقتدار اقتصادی جهت مقابله با تهدیدات اقتصادی

دشمن

۲. تبیین تأثیر مؤلفه‌های مختلف اقتدار اقتصادی بر اقتدار ملی متناسب با شرایط بومی کشور

۳. کمک به شکل‌گیری الگویی در جهت تدوین راهبردهای اقتدار اقتصادی

#### ضرورت:

۱- افزایش احتمال نرسیدن به درک یکسان و کم‌توجهی به سند اقتصاد مقاومتی در برابر

تهدیدهای اقتصادی

۲- احتمال عدم توجه به تأثیر مؤلفه‌های اقتدار اقتصادی در اقتدار ملی و غافلگیری

راهبردی

**پیشینه تحقیق:** مقاله‌ای با عنوان بررسی نقش مؤلفه‌های اقتصادی در تحکیم و توسعه اقتدار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با هدف ارائه مدل مطلوب تحکیم و توسعه اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق تبیین عوامل و مؤلفه‌های اقتصادی با استفاده از نظریات وابستگی متقابل و از روش ساختار- کارگزار برای تبیین اقتدار اقتصادی ایران انجام شده و بر این اساس نتیجه گرفته است که اقتدار اقتصادی تابعی از ارتقاء نیازهای عمومی جامعه به همراه ایفای نقش محوری در اقتصاد و فناوری منطقه‌ای است (امیری مقدم: ۱۳۸۹).

پژوهشی با عنوان اقتصاد و دفاع ملی با این پرسش اصلی که پیوند اقتصاد سیاسی با دفاع ملی چگونه است؟ به روش اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده و نتیجه گرفته دفاع ملی، تحقق نخواهد یافت مگر آنکه تمام بخش‌ها و عناصر سازنده اقتصاد ملی از جمله نیروهای اجتماعی، تعامل سازنده‌ای باهدف بسیج و به‌کارگیری توان کشور در حوزه‌های مختلف برای تأمین نیازهای جامعه شامل حفظ هویت بومی، نظم، افزایش سلامت، مبارزه با فقر، توسعه آموزش، گسترش فناوری،

افزایش رفاه و تولید اقتصادی و هم‌زمان حضور مقتدر در اقتصاد سیاسی بین‌الملل داشته باشند. مقاله‌ای با عنوان تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های امنیت اقتصادی در ایران به بعد اقتصادی در دو مؤلفه کمی کلان اقتصادی و محیطی فعالیت‌های اقتصادی پرداخته است. این مقاله به ارزیابی هر یک از مؤلفه‌های کمی و محیطی ایران نسبت به سایر کشورها و ارائه پیشنهادی مناسب همچون ارائه تصویر مطلوب از جمهوری اسلامی به جهانیان و ایجاد نهاد فراملی نظارت راهبردی بر مؤلفه‌های اقتصادی اشاره کرده است (گرگی و هاشمیان: ۱۳۸۶).

بررسی‌های انجام شده در حوزه اقتدار اقتصادی بر این نکته تأکید دارند که شکل‌گیری اقتدار اقتصادی در شرایطی حاصل می‌شود که زیرساخت‌های سازمانی، اجرایی و الگویی طراحی شود؛ اما در این مطالعات به الگویی که بتوان با آن راهبردهایی برای رسیدن به اقتدار اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی تبیین نمود توجه کافی نشده است.

**هدف و سؤال اصلی تحقیق:** در این تحقیق کاربردی که با روش داده بنیاد و با استفاده از مصاحبه عمیق با تعدادی از صاحب‌نظران حوزه اقتصادی انجام شده است، بر آن بوده‌ایم که بر اساس مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، عناصر اصلی اقتدار اقتصادی را که در شکل‌گیری اقتدار ملی نقشی اساسی دارد را مشخص کنیم و الگوی راهبردی تحقق اقتدار اقتصادی را تبیین نماییم.

**هدف اصلی:** تدوین الگوی راهبردی اقتدار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است.

**سؤال اصلی:** الگوی راهبردی اقتدار اقتصادی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی کدام است؟

### **ادبیات و مبانی نظری تحقیق:**

**مفهوم اقتدار و قدرت:** اقتدار در لغت‌نامه دهخدا به معنای قدرت، توانایی و قوت است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۱۳). در این پژوهش منظور از اقتدار، همان قدرت است. قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریده می‌شود و برآیند توانایی‌های آن جامعه یا ملت باشد، از آن به قدرت عمومی و کلی تعبیر می‌شود. در این چارچوب، مجموعه انسان‌هایی که ملتی را تشکیل داده‌اند و در شکل یک کشور، سازمان سیاسی پیدا کرده‌اند؛ قدرتی دارند که از برآیند قوای ترکیب شده آن‌ها به دست می‌آید و آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت می‌توان دانست. به عبارت دقیق‌تر، قدرت ملی به‌عنوان

۴۶ ♦ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۳۹۷

مفهومی ژئوپلیتیکی، صفت جمعی افراد یک ملت یا ویژگی کلی یک کشور را منعکس می‌کند که برآیند توانایی‌ها و مقدرات آن ملت یا کشور محسوب می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۵۱). چنین قدرتی حاصل ترکیب و جمع جبری وجوه مثبت و منفی عناصر و بنیان‌های قدرت آن کشور است که از پویایی برخوردار بوده و نسبت به ملت‌ها و کشورهای دیگر قابل فهم و درک است.

تعاریف زیادی از قدرت ملی ارائه شده است: «توانایی، قابلیت و ظرفیت یک دولت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود باهدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی» (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۲۴۵). کالینز استراتژیست آمریکایی، قدرت ملی را مجموعه‌ای از توانایی‌های بالقوه و بالفعل یک کشور تعریف می‌کند که از توانایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، تکنولوژیک و نظامی آن کشور ناشی می‌شود (کالینز، ۱۳۷۰: ۲۴). هانگشوفن دانشمند مشهور چینی بیان می‌کند که قدرت ملی عبارت است از «قدرت کامل و نفوذ بین‌المللی یک ملت هم در عرصه قدرت مادی و هم معنوی که ملت از آن برای بقا و توسعه استفاده می‌کند.» به‌طورکلی می‌توان قدرت ملی را چنین تعریف نمود: قدرت ملی مجموعه‌ای از استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های مادی و معنوی یک کشور برای اعمال اراده ملی در جهت پیگیری و پیشبرد اهداف ملی و بین‌المللی است (سیف، ۱۳۹۴: ۳۵).

**مفهوم اقتصاد:** اقتصاد ارتباط میان تولید، تجارت و عرضه پول در یک کشور یا منطقه مشخص است. در تعریفی دیگر اقتصاد مجموعه بزرگی از فعالیت‌های به هم مرتبط تولیدی و مصرفی دانسته شده که به تعیین چگونگی تخصیص منابع کمیاب کمک می‌رسانند. اقتصاد همچنین به‌صورت «شبکه‌ای از تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات در یک مکان، منطقه و یا کشور» تعریف شده است. درمجموع اقتصاد را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: اقتصاد به یک نظام اقتصادی در یک منطقه جغرافیایی مشخص اطلاق می‌شود و دربرگیرنده تولید، توزیع یا تجارت و مصرف کالاها و خدمات در آن منطقه یا کشور است. یک اقتصاد مجموع کل ارزش معاملات میان فعالان اقتصادی نظیر افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و حتی ملت‌هاست. یک اقتصاد برآیند کلیه فرآیندهایی است که فرهنگ، ارزش‌ها، آموزش، تکامل تکنولوژیکی، تاریخ، سازمان اجتماعی، ساختار سیاسی و سیستم‌های قانونی و همین‌طور جغرافیا و مواهب طبیعی را در برمی‌گیرد. این عوامل زمینه، محتوا و شرایطی را که یک اقتصاد در آن عمل می‌کند را تعیین می‌نمایند (منتظر ظهور، ۱۳۶۹: ۲۸).

**اقتدار اقتصادی:** اقتدار اقتصادی از یک سو به مفهوم افزایش عزت و اقتدار بین‌المللی و کاهش وابستگی (و نه کاهش روابط اقتصادی و تجاری) به دنیای خارج و از سوی دیگر به مفهوم رشد، توسعه و شکوفایی اقتصادی است (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۷۷).

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتدار هر کشوری، اقتدار اقتصادی است. اقتصاد به سبب عوامل متعددی، از جمله ارتباط تنگاتنگ با سیاست و اثرپذیری از آن و اثرگذاری بر آن و همچنین اثر مستقیم بر معیشت مردم که جزء نیازهای اولیه محسوب می‌گردد، همواره نقش بسزایی را در مناسبات جهانی ایفاء کرده و از این جهت است که هرگاه کشورهای غربی، به دلیل قدرت اقتصادی بالا بخواهند بر کشوری سلطه پیدا نموده و موضوعی را بر دیگر کشورها تحمیل نمایند، از اهرم تحریم‌های اقتصادی استفاده می‌نمایند؛ زیرا نسبت به گزینه نظامی اولاً هزینه کمتری برای کشورهای تحریم‌کننده دارد و از طرف دیگر دارای اثرگذاری بالاتری است. عوامل اقتصادی قدرت ملی به شرح ذیل است:

الف: زیربناهای تولید نظیر پس‌انداز ملی، سرمایه‌گذاری ملی، درجه تحرک سرمایه، عناصر و ظرفیت‌های حمل‌ونقل، انرژی، تولید آب، جابجایی فعالیت‌های تولیدی، مدیریت، سطح تکنولوژی، سازمان و سیستم اقتصادی، نیروی انسانی تولید (مهندسين، مدیران، تکنیسین‌ها و کادر فنی).

ب: ظرفیت و ارزش تولید نظیر: تولید صنعتی، تولید کشاورزی، تولید دامی، تولید خدمات فنی و تخصصی؛

ج: سطح تولید نظیر: تولید ناخالص ملی، تولید سرانه، سطح خوداتکاء، مازاد تولید ملی، موفقیت بین‌المللی تولید، ترکیب بخشی تولید (صنعت، کشاورزی، خدمات، انرژی و...);

د: مبادله تولید نظیر صادرات، واردات و موازنه تجاری، توریسم؛

ه: ثروت و منابع مالی نظیر: وام‌های اعطاشده خارجی، ذخایر ارزی بین‌المللی، سرمایه‌گذاری بین‌المللی، خدمات مالی (بانک و بیمه)، ثروت اتباع مقیم در خارج از کشور (همان: ۷۸).

تهدیدات اقتصادی قدرت ملی را می‌توان به شرح ذیل بیان داشت:

۱- اقدامات سخت علیه اقتصاد یک کشور (تحریم اقتصادی، مصادره، توقیف یا مسدود کردن دارایی‌ها، تغییرات در شرایط واردات و صادرات)؛

۴۸ ♦ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۳۹۷ ————— ♦

- ۲- فساد اقتصادی و روش‌های غیرقانونی (قاچاق، پول‌شویی، ارتشاء، فرار مالیاتی)؛
- ۳- قدرت‌های برتر اقتصادی (تأثیرات اقتصاد جهانی، رشد اقتصادی دولت‌های رقیب)؛
- ۴- کاهش شاخص‌های ملی اقتصاد (کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی (دولتی بودن اقتصاد)، کاهش تولید ناخالص داخلی و ملی، کاهش رشد اقتصادی)؛
- ۵- نرخ بالای شاخص‌های بازار پولی و مالی (تورم شدید، رکود اقتصادی بالا، افزایش نرخ بهره، کاهش ارزش پول ملی)؛
- ۶- کاهش سطح رفاه عمومی (کاهش درآمد ملی کاهش درآمد دهک‌های پایین نسبت به دهک‌های بالا، افزایش فقر، نرخ بالای بیکاری)؛
- ۷- کاهش شدید منابع (مصرف بیش‌ازاندازه (اسراف)، مصرف منابع به‌صورت خام و بدون فراوری، پرداخت مستقیم و فراگیر یارانه‌ها)؛
- ۸- غیر مؤثر و غیررقابتی بودن تولید (فقدان اقلام و محصولات حیاتی و مهم در مجموعه تولیدات، فرسودگی صنعت، وابستگی شدید به منابع تولید). (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۹۶-۹۴)

**اقتصاد مقاومتی:** بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خصوص اقتصاد مقاومتی و تشدید تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، توجه اندیشمندان و متفکران داخلی را به طراحی و پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی معطوف ساخته است. از این‌رو برخی صاحب‌نظران نیز تعاریفی از اقتصاد مقاومتی ارائه کرده‌اند، از جمله اینکه: «اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر مدیریتی اقتصادی است که آسیب‌پذیری کشور را در مقابل ریسک‌های متعددی که اقتصاد را تهدید می‌کند کاهش می‌دهد» (مرتضی نبوی: ۱۳۹۳). «الگوی اقتصاد مقاومتی، یک الگوی اسلامی است که کیفیت تعامل و ارتباط اقتصادی با کشورهای خارجی را تعیین می‌کند. به‌گونه‌ای که از سویی ناظر به اوضاع داخلی اقتصاد کشور و پوشش نقاط ضعف است و از سوی دیگر با اتکاء بر نقاط قوت اقتصاد داخلی، حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفاء کرده و زمینه‌ساز هدایت بشر است» (معلمی: ۱۳۹۱). «اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی، تبدیل چنین فشارهایی به فرصت که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است.



اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکاءایی است» (خوش‌چهره: ۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی را می‌توان به معنی تدوین راهبردهای کلی نظام مبتنی بر شاخصه‌های تقویت اقتصاد ملی، آسیب‌پذیری اندک در مقابل تحریم‌ها و امکان حضور مقتدرانه در عرصه اقتصاد بین‌الملل دانست (منصور ملک: ۱۳۹۱).

اقتصاد مقاومتی طراحی و مدل‌سازی ویژه‌ای از شرایط و سازوکارهای اقتصادی است که مبتنی بر آن، فضای اقتصادی کشور بر اساس فرض وجود حداکثر تحریم‌ها و فشارها، به صورت فعال و نه منفعل طراحی می‌شود (پیغامی: ۱۳۹۰). اقتصاد مقاومتی «گفتمان و الگوی اقتصادی است که ضمن مقاوم‌سازی و تقویت اقتصاد ملی در برابر تهدیدها، توان تحریم‌شکنی با رویکرد عقب‌رانندگی نظام سلطه را داشته باشد و در عین حال پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا و برون‌گرا باشد» (قوامی: ۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی به نظام اقتصادی با خصوصیت ویژه مقاومتی بودن اطلاق می‌شود. کارویژه این نظام اقتصادی آن است که در شرایط وجود چالش بتواند اهداف اساسی خود را محقق سازد. لذا منظور از مقاومتی بودن ایستادگی در برابر طوفان‌های بیرونی و ثمردهی در شرایط نامساعد است (سیف، ۱۳۹۵: ۲۲).

اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، اقتصادی است که دو ویژگی اساسی دارد: ۱- در برابر تهدیدها و ترفندهای دشمن مقاوم است و کمتر آسیب می‌بیند. ۲- تهدید را تبدیل به فرصت کرده و در وضعیت تهدید رشد می‌کند (میر معزی، ۱۳۹۱: ۵۲).

در یک تعریف جامع بنا به رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، اقتصاد مقاومتی عبارت است از اقتصاد آرمانی باز (بدون محصور کردن کشور) و مستقلى که دارای خاصیت مقاومت مدبرانه در مقابل کارشکنی و خباثت دشمن و آسیب‌پذیر در برابر بحران‌ها و نوسان‌های بین‌المللی باشد و در شرایط فشار و دشمنی‌ها بتواند افزون بر کاهش آسیب‌پذیری کشور در برابر ترفندهای دشمنان و نوسان‌های جهانی - که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود - تضمین‌کننده روند رو به رشد و شکوفایی کشور (متضمن افزایش ثروت ملی) باشد (دری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

در واقع اقتصاد مقاومتی کاهش آسیب‌پذیری و تهدیدات اعمال‌شده در کنار افزایش انعطاف‌پذیری و کارآمدی اقتصاد ملی است که هدف آن را می‌توان اقتدار و قدرت اقتصادی بیان نمود. در جمع‌بندی موارد مذکور، اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر مدیریتی اقتصادی است که:

۵۰ ♦ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۳۹۷

✓ آسیب‌پذیری اقتصاد را در برابر خطرهای متعددی که اقتصاد ایران را تهدید می‌کند، کاهش دهد.

✓ در شرایط فشار، روند رو به رشد اقتصادی (و شکوفایی) در کشور را حفظ کند.

✓ حوزه‌های فشار را شناسایی نموده و به دنبال آن، برای واپایش و بی‌اثر کردن آن‌ها و تبدیل تهدیدات به فرصت، قابلیت داشته باشد.

✓ با اتکاء بر قوت‌های اقتصاد داخلی به مقابله با ضعف‌ها پرداخته و اقتصاد کشور را به سمت اقتصادی قدرتمند که منجر به اقتدار اقتصادی در منطقه خواهد شد هدایت نماید.

**الگوی راهبردی:** مدل پیشرفته‌ای است که با استفاده از آن و چیدمان منطقی و هنرمندانه، عوامل اصلی و عرصه‌های راهبرد و روابط بین آن‌ها به بهترین شکل ممکن ارائه و مورد بررسی قرار می‌گیرد (پارسونز، ۱۳۸۵: ۳۵).

### **ادبیات تحقیق در اسناد بالادستی و منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی):**

**اقتصاد:** مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در ارتباط با اهمیت اقتصاد بیان داشته‌اند: «امروز یکی از مسائل اساسی کشور، مسئله اقتصاد و معیشت مردم است» (امام خامنه‌ای: ۹۶/۸/۳). تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمی‌تواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد. کشور ما به اقتصاد قوی و پایدار احتیاج دارد... (امام خامنه‌ای: ۹۱/۲/۱۰).

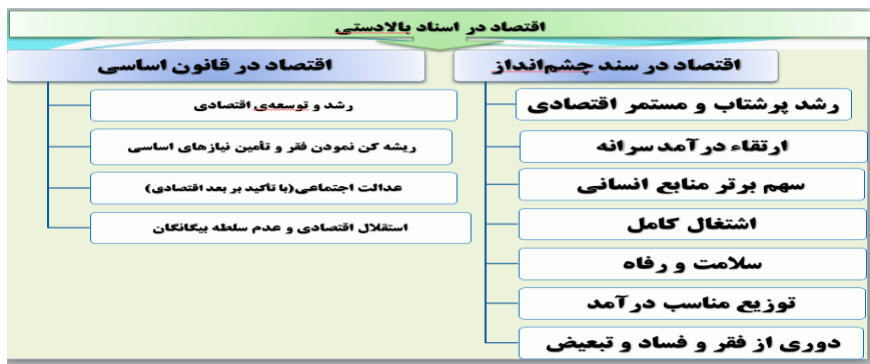
مهم‌ترین اهداف و اصول اقتصاد نظام جمهوری اسلامی ایران که در قانون اساسی به آن اشاره شده است به شرح ذیل است: ریشه‌کن نمودن فقر و تأمین نیازهای اساسی، استقلال اقتصادی و عدم سلطه بیگانگان، عدالت اجتماعی (با تأکید بر بعد اقتصادی)، رشد و توسعه اقتصادی، بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جامعه اقتصادی آرمانی نه تنها دارای استقلال اقتصادی است بلکه جامعه‌ای است که در آن:

- نیازهای فردی و اجتماعی انسان‌ها در جریان رشد و تکامل آن‌ها تأمین گردیده است.
- قسط و عدالت اقتصادی بر مناسبات تولید و توزیع کالا در خدمات حاکم است.
- اشتغال کامل و موکد حاصل شده است.
- نظام اقتصادی بر برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.
- دولت وظیفه ارشاد عمومی در همه زمینه‌ها را بر عهده دارد و این وظیفه با توسل به

برنامه‌ریزی اقتصادی انجام می‌شود.

بخش عمده‌ای از موضوعات مطرح در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران مربوط به حوزه اقتصادی است. بر اساس سند چشم‌انداز، جامعه ایران می‌باید در افق ۱۴۰۴ به جایگاه نخست اقتصادی در سطح منطقه آسیای جنوب غربی دست یابد. در این هدف‌گذاری نه تنها جایگاه مشخص و برتری برای اقتصاد ایران در سطح منطقه یاد شده، در نظر گرفته شده است بلکه از لحاظ محتوایی، در این جایگاه (از بعد کیفی) تولید باید مبتنی بر علم و دانش همراه با بهبود توزیع درآمد، اشتغال کامل و عوامل تولید باشد. تأکید بر سهم عامل انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، برخورداری از سلامت، رفاه، امنیت غذایی و توزیع مناسب درآمد، دوری از فقر و فساد و تبعیض نیز از اهداف مهم چشم‌انداز است که ریشه در حوزه اقتصادی دارند. نمودار ذیل مهم‌ترین موارد اقتصادی مورد اشاره در سند چشم‌انداز را نشان می‌دهد (خادمی، ۱۳۹۰: ۲۸۰).

شکل ۱- اقتصاد در اسناد بالادستی



**اقتدار اقتصادی:** مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) صراحتاً از اقتدار اقتصادی به‌عنوان رکن اقتدار ملی یاد کرده و در تبیین آن می‌فرمایند: «یک رکن اقتدار ملی، اقتدار اقتصادی است؛ یعنی کشور از لحاظ اقتصادی بتواند پول ملی خودش را تقویت کند؛ در بازارهای اقتصادی دنیا حضور تأثیرگذار داشته باشد؛ در بهبود وضع اقتصادی کشور از امکانات خودش استفاده کند؛ فقر را در کشور ریشه‌کن و یا حداقل کم کند و بتواند به‌عنوان یک کشور ثروتمند و غنی، در مقابل چشم دنیا، کارایی نظام خودش را نشان دهد. این می‌شود اقتدار اقتصادی. اقتدار اقتصادی همچنین به معنای این است که در کشور، بیکاری وجود نداشته باشد؛ اشتغال وجود داشته باشد؛ تولید صنعتی

۵۲ ♦ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۳۹۷

و کشاورزی در حد مطلوب باشد؛ از منابع و معادن کشور به نحو بهینه استفاده شود. این هم اقتدار اقتصادی است که بخش‌های گوناگون نسبت به آن مسئولیت دارند» (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۰/۲/۲۸).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اقتدار و استقلال اقتصادی را مبنا و لازمه اقتدار و استقلال سیاسی عنوان می‌کند؛ به‌گونه‌ای که اگر اقتدار اقتصادی فراهم نشود، تحقق هیچ آرمان و هدفی امکان‌پذیر نخواهد بود: «ما تا به کار ایرانی و سرمایه ایرانی احترام نگذاریم، تولید ملی شکل نمی‌گیرد و اگر تولید ملی شکل نگیرد، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند و اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد - یعنی در مسئله اقتصاد نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد - استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند و اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد، بقیه حرف‌ها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمی‌تواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد. کشور ما به اقتصاد قوی و پایدار احتیاج دارد. من از سه سال یا چهار سال قبل، در سخنرانی‌های عمومی و بزرگ، به ملت‌مان، به عزیزان‌مان، به جوانان‌مان، به مسئولان‌مان تذکر دادم و گفتم بدانید توطئه دشمن، امروز متوجه به اقتصاد ماست. حالا ملاحظه می‌کنید؟ می‌بینید که نشانه‌های این توطئه بزرگی که برایش برنامه‌ریزی کردند، یکی پس از دیگری دارد ظاهر می‌شود» (امام خامنه‌ای: ۹۱/۲/۱۰).

علم و فناوری یکی از پایه‌های اقتدار اقتصادی یک ملت است. یک ملت با داشتن دانش پیشرفته، فناوری پیشرفته، هم به ثروت می‌رسد، هم به استغنا سیاسی می‌رسد، هم آبرومند می‌شود، هم دستش قوی می‌شود. به خاطر کلیدی بودن مسئله پیشرفت علم و فناوری، من نسبت به این مسئله حساسم. از راه‌های مختلف، کانال‌های مختلف (امام خامنه‌ای: ۹۱/۱/۱).

با توجه به موارد فوق شاخص‌های اقتدار اقتصادی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) را می‌توان به شرح زیر بیان نمود: تقویت پول ملی، حضور تأثیرگذار در بازارهای اقتصادی دنیا، به‌کارگیری امکانات داخلی، ریشه‌کن کردن فقر، نمایش کارآیی نظام، اشتغال‌زایی و عدم وجود بیکاری، تولید مطلوب محصولات کشاورزی و صنعتی، استفاده بهینه از منابع موجود و جلوگیری از خام‌فروشی، عدم وابستگی هزینه‌های دولت به درآمدهای نفتی، تولید ثروت از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان، تقویت اقتصاد، پایداری اقتصاد، استقلال اقتصادی (سیف، ۱۳۹۴: ۶۲).

شکل ۲ - شاخص‌های اقتدار اقتصادی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)



اقتصاد مقاومتی: مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در شهریور سال ۱۳۸۹ برای اولین بار واژه اقتصاد مقاومتی را که از آن به‌عنوان راه برون‌رفت از مقطع حساس و سرنوشت‌ساز کنونی و نیز برای تداوم رشد اقتصادی و نیل به اهداف سند چشم‌انداز یاد کرده‌اند، وارد ادبیات سیاسی و اقتصادی ما نمودند.

ایشان در تعریف اقتصاد مقاومتی، بیانات متعددی ایراد فرموده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند، یعنی وضع اقتصادی در کشور و نظام اقتصادی طوری باشد که در برابر ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های گوناگون خواهد بود کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند» (امام‌خامنه‌ای: ۹۱/۶/۲).

«اقتصاد مقاومتی، یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند» (امام‌خامنه‌ای: ۹۱/۵/۱۶). «در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد. باید بتواند در مقابل آنچه ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند» (امام‌خامنه‌ای: ۹۲/۱/۱). «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است؛ با تحریکات جهانی، با تکانه‌های جهانی، با سیاست‌های آمریکا و غیر آمریکا زیرورو نمی‌شود؛ اقتصادی است متکی به مردم» (امام‌خامنه‌ای: ۹۳/۱/۱).

**سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی:** سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به سران سه قوه ابلاغ شد. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام در بحران‌های رو به افزایش جهانی و ایجاد زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و فعالان اقتصادی در تحقق حماسه اقتصادی و همچنین به‌عنوان عامل شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی علیه ملت ایران تأکید گردید. این منشور که دارای ۲۴ راهبرد محوری و اساسی است تمامی راه‌های متصور برای رسیدن به قله‌ای رفیع و مکانی آبرومند و درخور ملت بزرگ ایران را در بردارد. از فرهنگ‌سازی و کارهای علمی آموزشی تا رصد فضای اقتصادی و جلوگیری از فساد و بی‌قانونی در عرصه اقتصاد، در این منشور به چشم می‌خورد. اجرای این منشور حیاتی، نیازمند تشریح مساعی همگان است. مقدمه سه پاراگرافی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغ‌شده از سوی رهبر معظم انقلاب به سران قوا دارای نکاتی بسیار مهم و اساسی است. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با اشاره به نمای کلی این سیاست‌ها در مقدمه، نقشه راه را به‌طور کامل ترسیم کرده و آن را تشریح می‌کند.

- ۱- اولین موضوعی که در راستای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی قطعاً مدنظر کارگزاران نظام قرار می‌گیرد، تشخیص منابع موردنیاز برای تسهیل مسیر است. رهبر معظم انقلاب این منابع را شامل استعدادها و ذخایر مادی و معنوی، منابع غنی و متنوع، زیرساخت‌های گسترده و نیروی انسانی مذهبی و انقلابی (متعهد)، کارآمد (متخصص) و دارای عزم راسخ (همت و اراده) دانسته‌اند. این استعدادها به‌طور عینی در داخل کشور ملموس است و نیاز به شناسایی و بهره‌برداری از آن‌ها وجود دارد.
- ۲- روند کار هم در ادامه مشخص شده و آن چیزی نیست جز الگوی اقتصاد مقاومتی که هم بومی باشد (هم ایرانی باشد و هم اسلامی) و هم علمی باشد یعنی اینکه منبعث از تلاش‌های حوزه و دانشگاه باشد.
- ۳- نتایجی که از بهره‌برداری از منابع و طی نمودن این روند حاصل می‌شود، پیروزی بر همه مشکلات داخلی و خارجی، شکست دشمن در جنگ تمام‌عیار اقتصادی علیه نظام، تحقق اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا و عینیت‌بخشی

به الگوی نظام اقتصاد اسلامی است.

۴- معیار کنترل نیز حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های تداوم و پیشرفت، تحقق سند چشم‌انداز و اصول قانون اساسی است.

۵- مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با تأکید بر چند ویژگی مهم، ضرورت فوق‌العاده اقتصاد مقاومتی را نشان می‌دهند. ایشان اجرای این سیاست‌ها را بی‌درنگ، با زمان‌بندی مشخص و فراهم کردن زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی که از طریق تهیه قوانین لازم و تدوین نقشه راه ایجاد می‌شود، مشخص کرده‌اند. در کنار این مباحث وجود روحیه جهادی نیز یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های پیمودن این مسیر است.

با توجه به ماهیت و ویژگی‌های بیان‌شده و رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و همچنین سند چشم‌انداز، مؤلفه‌های اصلی در اقتصاد مقاومتی را می‌توان به صورت شکل زیر ترسیم نمود:

شکل ۳- مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی بر اساس اسناد بالادستی، منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و خبرگان



### روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق این مقاله روش پیمایشی خبرگی و از طریق روش نظریه‌پردازی داده بنیاد است.

**روش داده بنیاد:** نظریه‌پردازی داده بنیاد یک روش‌شناسی استقرایی کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد تا گزارشی نظری از ویژگی‌های عمومی موضوع پژوهش بدهد، درحالی‌که به‌طور هم‌زمان، پایه این گزارش را در مشاهده‌های تجربی داده‌ها محکم می‌سازد. از

جهتی، نظریه پردازی داده بنیاد نشان دهنده همان عملی است که بسیاری از پژوهشگران، در هنگام مرور گذشته انجام می دهند، آن ها برای سازگار شدن با داده ها، فرضیه های جدیدی شکل می دهند. باین حال، در نظریه پردازی داده بنیاد، پژوهشگر وانمود نمی کند که فرضیه ها را پیشاپیش تدوین کرده است؛ زیرا پژوهشگران از فرضیه های از پیش شکل گرفته، منع می شوند (دانایی فرد، ۱۳۸۶: ۷۶). قابلیت تعمیم در این روش مطرح نیست و هدف آن ادراک شرایط در یک محیط خاص و به همان شکل موجود است نه پیش بینی آنچه ممکن است در محیط های مشابه اتفاق بیفتد (خنیفر، ۱۳۹۶: ۲۰۰). با توجه به ویژگی های برشمرده شده، روش تحلیل داده بنیاد، روشی مناسب برای انجام تحقیق حاضر است.

**روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:** در روش داده بنیاد، فرآیند جمع آوری داده ها، نظم دادن و تجزیه و تحلیل داده ها به هم وابسته اند و هم زمان انجام می شوند. در این تحقیق از یک سو برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای و مطالعه اسناد، مدارک، منویات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و اسناد بالادستی و از سوی دیگر مصاحبه عمیق با تعدادی از صاحب نظران حوزه اقتدار اقتصادی به روش پیمایشی و داده بنیاد به صورت تشکیل پنل خبرگی و مصاحبه با نخبگان استفاده شده است. ابتدا با استفاده از پنل خبرگی سؤالات مناسب برای مصاحبه تعیین و سپس اسامی افراد خبره که دارای سوابق اجرایی و علمی در سطح کلان کشور هستند، برای مصاحبه مشخص شد. نتایج مصاحبه ها با استفاده کدگذاری باز، محوری و انتخابی به ترتیب به مفاهیم، مقولات و مضامین تبدیل گردید و برای رسیدن به یک الگوی اقتدار اقتصادی، ارتباط مضامین به دست آمده با یکدیگر به صورت گزاره هایی تدوین شده است. این داده ها با روش تحلیل منطقی بر پایه داده ها (داده بنیاد) مورد تحلیل قرار گرفته است.

**روش نمونه گیری و حجم آن:** شیوه نمونه گیری در تحقیقات کیفی - میدانی، نمونه گیری کیفی است که بدان نمونه گیری هدفمند و یا نمونه گیری نظری گفته می شود. نمونه گیری نظری بر اساس مفاهیمی صورت می گیرد که در خلال تحلیل ظهور می یابند. این نوع نمونه گیری دارای خصوصیتی انباشتی بوده و مبتنی بر نمونه های قبلی است. تعداد افراد مورد مصاحبه، یا به عبارت دیگر حجم نمونه به اشباع نظری سؤالات مورد بررسی بستگی دارد (حسینقلی زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶۶). قاعده کلی در روش داده بنیاد این است که نمونه گیری را تا هر موقع که هر مقوله به اشباع نظری برسد، ادامه دهیم. گلایزر و اشتراش نمونه گیری نظری را این گونه تعریف می کنند: فرآیند گردآوری



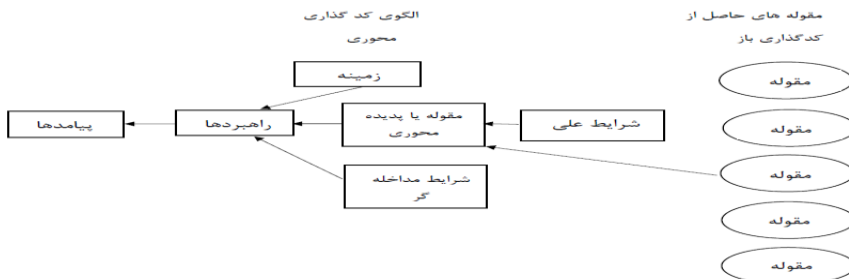
داده‌ها برای خلق نظریه به شکلی که تحلیل‌گر به‌طور پیوسته داده‌های خود را جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد در مرحله بعدی، چه داده‌هایی را جمع کند و کجا آن‌ها را بیابد تا نظریه خود را همراه با پدید آمدنش بپردازد (همان: ۲۶۷).

**کدگذاری محوری:** هدف این مرحله، تعیین رابطه بین مقوله‌های ایجادشده در مرحله کدگذاری باز است. در کدگذاری محوری پژوهشگر پدیده مرکزی یا محوری را شناسایی می‌کند، شرایط علی را تشریح می‌کند، راهبردها را مشخص می‌کند، شرایط مداخله‌گر و بستر را شناسایی می‌کند و درنهایت، پیامدها و نتایج راهبردها را برای این پدیده معین می‌کند (منوریان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

این مرحله مشتمل بر ترسیم نمودار است که الگوی کدگذاری نامیده می‌شود. الگوی کدگذاری، روابط فی‌مابین شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پیامدها را نمایان می‌کند با بررسی این الگو، شما مشاهده می‌کنید که شش جعبه (مقوله) از اطلاعات وجود دارد:

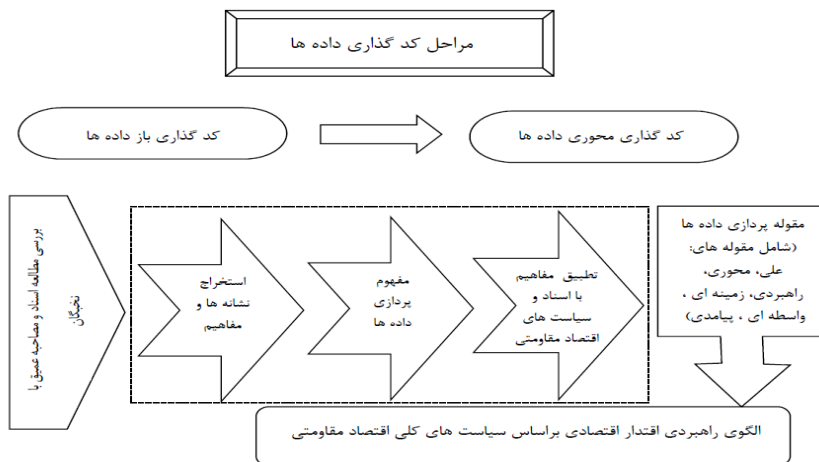
۱. شرایط علی: مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند.
  ۲. شرایط زمینه‌ای: شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند.
  ۳. مقوله محوری: یک صورت ذهنی از پدیده‌ای که اساس فرآیند است.
  ۴. شرایط مداخله‌گر: شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند.
  ۵. راهبردها: کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود.
  ۶. پیامدها: خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها (دانایی‌فرد، ۱۳۸۶: ۸۴).
- شکل زیر کدگذاری نظریه‌پردازی داده بنیاد، از کدگذاری باز تا الگوی کدگذاری محوری را نشان می‌دهد (همان: ۸۵).

شکل ۴ - مراحل کدگذاری نظریه‌پردازی داده بنیاد



**مراحل و فرآیند تحقیق:** در شکل زیر مراحل و فرآیند تحقیق شامل موارد مطالعه و فیش‌برداری اسناد، کدگذاری داده‌ها (کدگذاری باز و کدگذاری بسته)، مقوله‌پردازی و رسیدن به الگوی راهبردی اقتدار اقتصادی نشان داده شده است.

شکل ۵- مراحل و فرآیند تحقیق



### تحلیل داده‌های نظری:

برای دستیابی به الگوی اقتدار اقتصادی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی در این تحقیق با دو گروه داده روبرو هستیم. دست‌اول داده‌هایی است که از ادبیات تحقیق به‌دست آمده است و دسته دوم داده‌هایی است که از مصاحبه‌های شش‌گانه با خبرگان انتزاع گردیده است. داده‌های به‌دست آمده از طریق مصاحبه جمع‌آوری و در فرآیند کدگذاری مفاهیم، مقولات و مضامین از آن استخراج گردید. فرآیند کدگذاری در سه مرحله انجام گرفت:

**الف: کدگذاری باز:** جهت دستیابی به نظریه‌مبنایی در مرحله اول، کدگذاری باز صورت گرفت که با مراجعه به مصاحبه‌ها مفاهیم استخراج گردید و در قالب مقولات گروه‌بندی شدند در کدگذاری باز با تطبیق مستمر داده‌های خام به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان آن‌ها پی می‌بریم که درنهایت به گزاره‌های مفهومی منجر شد.

از مجموع شش مصاحبه انجام‌شده به ترتیب از مصاحبه اول تا ششم، ۸۱ جمله و ۱۱۵ مفهوم استخراج گردید.

◆ الگوی راهبردی اقتدار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در ..... ۵۹

پس از کدگذاری باز، اولین گام در تجزیه و تحلیل داده‌ها، مفهوم‌پردازی آن‌هاست. منظور از مفهوم‌پردازی تجزیه (شکستن) جملات به اجزا و برچسب‌گذاری (عنوان‌گذاری) هر یک از این اجزا و به این طریق، دستیابی به نشانه‌هایی است که می‌توانند بیانگر مفاهیم باشند.

### جدول ۱- بخشی از کدهای مستخرج از متن مصاحبه‌ها

شناسه	داده‌ها	مفاهیم
Ea1	دولت می‌بایست در حوزه اقتصاد دارای مشروعیت و حقانیت و مقبولیت و الزام‌آوری باشد.	دارای مشروعیت، حقانیت، مقبولیت و الزام‌آوری
Ea2	مردم خود را ملزم به اجرای تعهدات و همکاری و همراهی با دولت در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی بدانند.	جامعه‌پذیری و قانون‌پذیری
Ea3	اقتدار اقتصادی یعنی ایجاد رفاه یعنی دولت بتواند برای مردم رفاه ایجاد کند و توزیع درآمد را بهبود ببخشد.	تأمین رفاه
Ea4	هر چیزی که با رفاه مردم ارتباط داشته باشد. مردم هر چه را مرتبط با رفاهشان باشد و دارای سیگنال‌های مثبت باشد می‌پذیرند و به دولت اعتماد می‌کنند.	اعتماد اجتماعی
Ea5	سیگنال‌های منفی مانند پول‌شویی و اختلاس و ... موجب سلب اعتماد مردم می‌شود.	فساد و کاهش اعتماد
Ea6	اقتصاد باید مثل بادکنک همه‌جایش یکسان رشد یابد.	رشد متوازن اقتصاد
Ea7	اولیت‌های اقتدار اقتصادی سه مؤلفه بسیار مهم کاهش بیکاری، رشد اقتصادی و مهار تورم که برآیند رفتارهای اقتصادی کشور هستند.	شاخص‌های کلان اقتصادی
Ea8	بی‌اعتمادی مردم به دولت به دلیل کارهای نادرست دولت‌های مختلف، فساد دولتی، دولتی بودن اقتصاد، ضعف در اجرای قانون، عدم پاسخگویی مجری برای اجرای قانون، عدم برخورد مناسب با فساد به دلیل اغراض سیاسی، عدم شفافیت مالی در بانک مرکزی و سایر مراکز عمده اقتصاد دولت.	پاسخگو نبودن و عدم شفافیت
EG11	نظام بانکی باید تولید محور باشد یعنی قواعد و قوانین باید طوری باشد که تولید محوری را در همه عرصه‌ها گسترش دهد.	ایجاد بانکداری تولید محور
EG12		قواعد و قوانین تولید محور
EG13	موانع تولید محوری (اقتدار اقتصادی)	کاهش دلالتی در اقتصاد
EG14	گسترش فرهنگ دلالتی به‌جای فرهنگ تولید می‌تواند اقتدار اقتصادی را نابود کند.	فرهنگ‌سازی در زمینه تولید محوری

ب - کدگذاری محوری: بعد از کدگذاری باز وارد کدگذاری محوری شدیم. در کدگذاری

محوری از کنار یکدیگر قرار دادن مفاهیم مرتبط، مقولات یا مؤلفه‌ها استخراج گردید.

جدول ۲- بخشی از کدگذاری محوری و مقولات استخراج شده از مفاهیم

مقوله	مفاهیم	شناسه
مشارکت مردمی	اقتصاد دارای مشروعیت، حقانیت، مقبولیت و الزام آور - جامعه پذیری و قانون پذیری، تأمین رفاه، اعتماد مردمی	EA3.EA1, EA2
رشد مستمر اقتصادی	رشد متوازن اقتصادی، کاهش بیکاری، رشد اقتصادی و مهار تورم	EA6,EA7
رفع موانع کارآمدی اقتصاد	فساد اقتصادی، بی برنامه‌گی، اجرای نادرست برنامه‌ها	EA5,EA8,EA9,E A10
پیشگیری و مبارزه با فساد اقتصادی	نصب مدیران اقتصادی باشهامت، پیشگیری و مبارزه با فساد، تشویق مدیران درستکار، لزوم ایجاد ساختار جدی مبارزه با فساد، شفافیت آمارها	EA11,EA12,EA1 3,EA14,EA20
مقاوم سازی اقتصاد	تولید محوری، اقتصاد مقاوم	EG3,EG2
سالم سازی اقتصادی	حفظ حاکمیت، کاهش دلالتی در اقتصاد تأمین معیشت،	EG1,EG13
رفع موانع کارآمدی	ایجاد اشتغال و ارزآوری، ایجاد بانکداری تولید محور، افزایش درآمد کالای دارای قدرت رقابت قواعد و قوانین تولید محور	EG5,EG11,EG12
ارتقای فرهنگ تولید محوری در اقتصاد	فرهنگ سازی در زمینه تولید محوری به جای دلال محوری	EG3,eG10,eG16,e G17

کفایت نظری، مبین ظهور نظریه یا مفهوم و در نتیجه، نشان دهنده انتهای نمونه برداری نظری درباره آن مفهوم یا نظریه است. در واقع، در نظریه پردازی داده بنیاد، نمونه گیری با ظهور کدهای نو پیش می رود و با کفایت نظری محدود می شود (دانایی فرد و همکاران: ۱۳۸۶).

پس از مصاحبه، کدها در قالب مفاهیم دسته بندی شد. در مصاحبه اول تا سوم، بعضاً منجر به اضافه شدن چندین مفهوم و کدهای متعدد می شد، اما به ترتیب افزایش مصاحبه‌ها، این سیر، روند نزولی طی کرد تا جایی که از مصاحبه مورد چهارم به بعد مفهوم جدیدی شکل نگرفت و تولید کدهای جدید نیز از ۲۴ کد در مصاحبه اولیه به ۱۳ کد در مصاحبه پایانی رسید. لذا این تعداد مفهوم برای استخراج مدل کافی به نظر رسیده و کفایت نظری اعلام می شود.

از مقولات، مضامینی که ما را به اقتدار اقتصادی می رساند استخراج گردید:

### جدول ۳. مضامین استخراجی از مقولات

مضامین	مقولات
درون‌زا بودن اقتصاد و عدم وابستگی به نفت	قطع وابستگی بودجه به نفت، افزایش تولید داخلی، اقتصاد تولید محور، مقاوم‌سازی اقتصاد، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی
شفافیت و سالم‌سازی اقتصاد	پیشگیری و مبارزه با فساد اقتصادی، امنیت اقتصادی، افزایش شفافیت اقتصاد، سالم‌سازی اقتصاد
اصلاح الگوی مصرف	فرهنگ‌سازی مصرف بهینه، افزایش بهره‌وری، الگوی صحیح مصرف
اقتصاد دانش‌بنیان	افزایش نوع آوری، افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان
اصلاح ساختار اقتصادی	وابستگی اقتصادی، عوامل اختلال‌زای اقتصادی، ضعف قوانین، مدیریت اجرایی نامناسب، تکانه‌های اقتصادی، رفع موانع کارآمدی، توسعه اقتصادی، اصلاح ساختار بانکی و پولی، ساختار مالیاتی، تقویت و توانمندسازی عوامل تولید، رقابت‌پذیر، ضعف قوانین، رشد بهره‌وری عوامل تولید، تقویت و توانمندسازی عوامل تولید
اقتصاد مردمی بودن	اعتماد مردمی، حداکثرسازی مشارکت مردمی، رضایت مردمی، توسعه کارآفرینی
اقتصادی برون‌گرا	پویایی اقتصادی، رونق بانکداری
عدالت بنیان	ارتقای عدالت اجتماعی، اتخاذ سیاست‌های فقرزدایی، برابرسازی فرصت‌های اقتصادی و آموزشی، ایجاد رفاه

**ج - کدگذاری انتخابی داده‌ها:** در مرحله کدگذاری باز، داده‌های تحقیق در کدهای مختلف احصاء شدند، سپس از طریق محورهای مشترک کدها، مفاهیم و با کدگذاری محوری از طریق مقایسه مفاهیم با یکدیگر، مقوله‌ها شناسایی شدند. در کدگذاری انتخابی همان داده‌ها، دوباره با ایجاد روابط بین مقوله‌ها به گونه‌ای جدید به یکدیگر مرتبط و بنا به جنس مقوله‌ها، در دسته‌های خاصی به نام مضامین تقسیم‌بندی می‌شوند. در این کدگذاری پنج عمل تحلیلی مجزا شامل ایجاد ارتباط فرضی بین مقوله‌ها و مضامین به وسیله شرایط علی، واسطه‌ای، زمینه‌ای، راهبردی و پیامدی مشخص گردید. در این تحقیق اقتصاد مقاومتی به عنوان عامل محوری در نظر گرفته شد و سایر مضامین، در قالب عوامل دیگر قرار گرفت. آنچه در ادبیات تحقیق تولید گردید با مضامین و مقولات تولیدشده در مصاحبه‌ها ترکیب و جمع‌بندی گردید. بعضی از مقولات در مصاحبه و ادبیات تحقیق مشترک بود. تعدادی از مقولات که از ادبیات تحقیق، اسناد بالادستی و منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) استخراج گردید در جدول به صورت برجسته‌تر مشخص شده است.

جدول ۴ - مقولات، مضامین و عوامل اقتدار اقتصادی

عوامل	مضامین	مقوله
عوامل علی	اصلاح ساختار اقتصادی	رفع موانع کارآمدی، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، نمایش کار آبی نظام
		توسعه اقتصادی، رشد و توسعه اقتصادی، تقویت اقتصاد
		رفع وابستگی اقتصادی، استقلال اقتصادی و عدم سلطه بیگانگان
		اصلاح ساختار بانکی و پولی، تقویت پول ملی
		اصلاح مدیریت اقتصادی
		اصلاح ساختار مالیاتی
		تقویت و توانمندسازی عوامل تولید، به کارگیری امکانات داخلی، اشتغال‌زایی و عدم وجود بیکاری
		اصلاح عوامل اختلال‌زای اقتصادی، پایداری اقتصاد
		اصلاح قوانین اقتصادی
شفافیت و سالم‌سازی اقتصادی		پیشگیری و مبارزه با فساد اقتصادی، مبارزه فساد و تبعیض
		امنیت اقتصادی
		افزایش شفافیت اقتصاد
		سالم‌سازی اقتصاد
عوامل زمینه‌ای	اقتصاد عدالت بنیان	عدالت اجتماعی، دوری از فقر و فساد و تبعیض، عدالت اجتماعی (با تأکید بر بعد اقتصادی)، ریشه‌کن کردن فقر
		عدالت اقتصادی، ریشه‌کن نمودن فقر و تأمین نیازهای اساسی
		اتخاذ سیاست‌های فقرزدایی
		برابر سازی فرصت‌های اقتصادی
		ایجاد رفاه، سلامت و رفاه، ارتقاء درآمدها
		باز توزیع درآمد، توزیع مناسب در آمد
واسطه‌ای	اصلاح الگوی مصرف	فرهنگ‌سازی مصرف بهینه
		صرفه‌جویی
		افزایش بهره‌وری
		عدم مصرف‌گرایی
		عدم اسراف
		داشتن الگوی صحیح مصرف
اقتصاد درون‌زا		افزایش تولید داخلی، تولید مطلوب محصولات کشاورزی و صنعتی
		اقتصاد تولید محور، عدم وابستگی هزینه‌های دولت به درآمدهای نفتی
		مقاوم‌سازی اقتصاد، استقلال اقتصادی
		رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی
		قطع وابستگی بودجه به نفت، استفاده بهینه از منابع موجود و جلوگیری از خام‌فروشی
راهبردی	اقتصاد دانش‌بنیان	افزایش نوع آوری

افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان	اقتصاد مردم بنیان	
دانش‌بنیان کردن اقتصاد، تولید ثروت از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان		
اعتماد مردمی		
اشتغال‌زایی، اشتغال کامل، اشتغال‌زایی و عدم وجود بیکاری		
کاهش تصدی‌گری دولت		
مشارکت عمومی، سهم برتر منابع انسانی		
حداکثر سازی مشارکت مردمی		
رضایت مردمی		
توسعه کارآفرینی		
دیپلماسی اقتصادی		
رقابت‌پذیری		
داشتن ارتباط با اقتصاد جهانی، حضور تأثیرگذار در بازارهای اقتصادی دنیا		
صادرات		
صادرات غیرنفتی		

هشت عامل مهم موجب اقتدار اقتصادی می‌گردد:

- ۱- درون‌زا بودن اقتصاد: درون‌زایی به این معناست که ما به توان، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های داخلی خود اتکاء کرده و بتوانیم با بهره‌مندی از این ظرفیت‌ها به خودکفایی دست‌یابیم. امروزه دولتی بودن و نفتی بودن از عمده مشکلات اقتصاد کشورمان محسوب می‌گردد. دولتی بودن اقتصاد ایران از نتایج نفتی بودن بودجه است. با اصلاح ساختار اقتصادی، زمینه استفاده از ظرفیت‌های داخلی، سرمایه‌گذاری داخلی بیش‌ازپیش فراهم می‌شود و درون‌زایی اقتصاد و تکیه بر توان داخلی عملی می‌گردد.
- ۲- اقتصاد مردم بنیان: مردمی بودن اقتصاد یکی از علل مهم در کاهش تصدی‌گری‌های دولت است. دولتی بودن اقتصاد و سهم بالای دولت در امور اقتصادی در کنار بروکراسی پیچیده دستگاه‌های دولتی از عارضه‌های اصلی اقتصاد به شمار می‌رود از این‌رو اصلاح ساختار اقتصادی به مشارکت مردم و مردمی شدن اقتصاد کمک نموده و تحقق آن را تسهیل می‌کند به عبارتی دیگر با اصلاح ساختار اقتصادی بخش خصوصی نقش ویژه‌تری در امور اقتصادی کشور پیدا می‌کند و اداره امور نیز به مردم واگذار شود.

### ۳- اصلاح ساختار اقتصادی: اصلاح ساختار اقتصادی کشور زمینه شفافیت و سلامت

اقتصادی را فراهم می‌نماید و به تحقق آن کمک شایانی می‌کند که نتیجه آن رونق کسب‌وکار در جامعه، رونق تولید، جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی، اعتماد و امیدآفرینی در بین آحاد مردم، به فعلیت رسیدن ظرفیت‌های موجود، تقویت تولید و در نهایت رشد اقتصادی کشور است. پیشگیری و مبارزه قاطع با فساد اقتصادی موجب افزایش امنیت اقتصادی می‌شود که این امر نیازمند اصلاح ساختار اقتصادی و رفع موانع کارآمدی است. به عبارت دیگر یکی از سیاست‌های شفافیت اقتصادی، اصلاح سیاست‌های پولی و ارزی است که منجر به اصلاح ساختار اقتصادی کشور می‌شود.

### ۴- اقتصاد عدالت بنیان: عدالت به معنای تقسیم فقر نیست بلکه به معنای افزایش تولید و

سرمایه ملی است. عدالت بنیان بودن اقتصاد و مردم‌نهاد بودن آن وقتی با اصلاح منطقی ساختار اقتصادی همراه می‌شود، راه‌حل مشکلات اقتصادی را فراهم می‌سازد. اقتصاد عدالت بنیان این است که فعالیت اقتصادی برای همه ممکن و قابل دسترس باشد. لازمه این وضع، سهولت در تولید و رشد بنگاه‌های خرد است. برای تحقق این وضعیت، بسیاری از قوانین و مقررات و در یک کلام نظام اقتصادی کشور باید اصلاح شود. از شاخص‌های عملیاتی رسیدن به اقتصادی عدالت بنیان می‌توان به دسترسی به فرصت‌های برابر در استفاده از منابع و امکانات، دسترسی برابر به اطلاعات اقتصادی (فضای شفاف و سالم)، دسترسی برابر به مناصب و موقعیت‌های اقتصادی، امکان فرصت‌های برابر در فعالیت‌های اقتصادی، توزیع عادلانه ثروت و درآمد.

### ۵- اقتصاد برون‌گرا: برون‌گرایی بدون درون‌زایی سبب وابستگی به خارج می‌شود.

برون‌گرایی موجب می‌شود با تعامل سازنده با اقتصادهای جهانی از بازارهای بین‌المللی جهت عرضه محصولات ایرانی استفاده حداکثری نموده و درآمدهای ارزی کشور را ارتقاء بخشید. اقتصاد قوی باید برون‌گرا همراه با درون‌زایی باشد تا توانایی رشد و توسعه پایدار وجود داشته باشد به بیان دیگر برون‌گرایی یعنی اینکه بدانیم در ارتباط با خارج از کشور به دنبال چه چیزی هستیم و از ارتباط با دیگر کشورها چه چیزی را می‌خواهیم. به طور قطع دستیابی به دانش و سرمایه خارجی در این بخش باید مورد تأکید جدی قرار گیرد. این مهم در سایه اصلاح ساختار اقتصادی به وجود می‌آید.



۶- **اصلاح الگوی مصرف:** هدف اصلی در اقتصاد، دستیابی به رشد اقتصادی بالاست که بتواند شرایط بهتری را برای مردم ایجاد کرده و استانداردها و شیوه زندگی مردم را بهبود بخشد. این مهم وقتی می‌تواند تحقق پیدا نماید که در کنار اصلاح ساختار اقتصادی، الگوی مصرف نیز اصلاح شود. چراکه مصرف انرژی در کشور بسیار بالاتر از استاندارد جهانی است. این مسئله نه تنها ما را از رسیدن به خودکفایی دور می‌سازد، بلکه با داعیه اسلامی بودن سیره زندگی مان هم منافات دارد. به بیان دیگر اصلاح ساختار اقتصادی با اصلاح الگوی مصرف مکمل یکدیگر هستند.

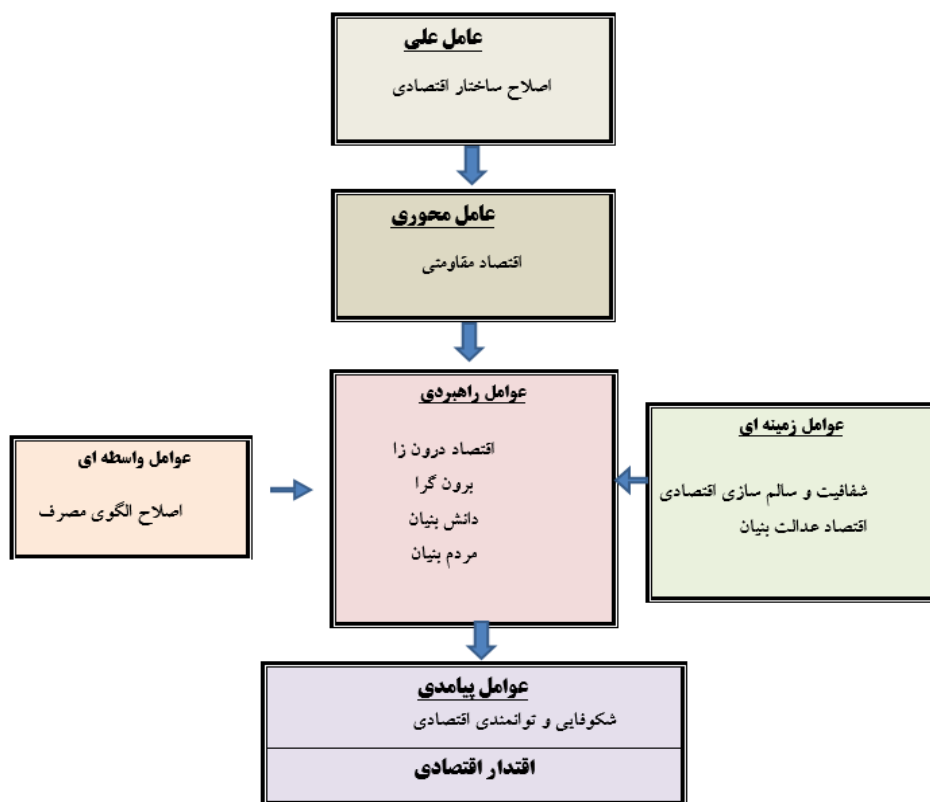
۷- **اقتصاد دانش‌بنیان:** به روشی از تولید گفته می‌شود که در آن دانش برای ایجاد ارزش افزوده استفاده می‌شود. فناوری و به خصوص فناوری‌های دانش‌بنیان ابزاری برای تبدیل بخشی از دانش به ماشین‌آلات محسوب می‌شوند. محور و زیرساخت تولید در اقتصادهای مختلف، به خوبی می‌تواند وجه تمایز و مزیت‌های اقتصاد دانش‌بنیان را نسبت به انواع دیگر مشخص کند. زمانی می‌توان به اصلاح ساختار اقتصادی امیدوار بود که پایه‌های اقتصاد کشور، دانش‌بنیان بوده و امور اقتصادی آن بر اساس اصول منطقی پذیرفته شده باشد. دانش‌بنیانی اقتصاد در کنار اصلاح ساختار اقتصادی باعث می‌شود که کشور نسبت به تهدیدات، تغییرات و تکانه‌های آن مقاوم باشد.

۸- **شفافیت و سالم‌سازی اقتصادی:** بودجه‌بندی و تهیه برنامه شفاف و تعیین کسری یا مازاد بودجه، ایجاد اقتصاد غیردولتی و رهاسازی اقتصاد از حیطه دولت به خصوصی سازی (مدیریت و نظارت به جای تصدی‌گری)، ساماندهی شرکت‌های دولتی، اجرای سیاست‌های اصلاح اقتصادی در زمینه اشتغال، واردات و صادرات، اصلاح سیاست‌های پولی و ارزی، بهبود و توسعه اقتصادی کشور به همراه اصلاح قوانین مربوط به اقتصاد، توسعه امنیت و ثبات اقتصادی، مبارزه با فساد اقتصادی و نظام طبقاتی و رانت‌خواری از طریق شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی در راستای توسعه عدالت اجتماعی، شفاف‌سازی در معاملات دولتی (اعم از داخلی و خارجی)، امکان دسترسی عموم مردم به اطلاعات و تصمیمات اقتصادی دولت، حذف یارانه‌ها و رانت‌ها در ساختار اقتصادی

**نتیجه‌گیری:** همان‌طور که در طرح مسئله در ابتدای مقاله اشاره شد هدف اصلی این تحقیق ارائه الگوی اقتدار اقتصادی است. از مجموع داده‌های به دست آمده در ادبیات تحقیق، اسناد بالادستی،

منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و مصاحبه‌های انجام‌شده به الگوی راهبردی اقتدار اقتصادی رسیدیم. الگوی راهبردی اقتدار اقتصادی مدلی است که با استفاده از آن و چیدمان منطقی، عوامل اصلی و عرصه‌های راهبرد و روابط بین آن‌ها ارائه و مورد بررسی قرار گرفته است. در این الگو می‌بایستی ابتدا در جهت رفع نقاط ضعف اقدام به اصلاح اقتصادی نمود. سپس با محور قرار دادن اقتصاد مقاومتی با استفاده از عوامل واسطه‌ای و زمینه‌ای، عوامل راهبردی را به مرحله اجرا درآورد. در این صورت اقتصاد می‌تواند وارد مرحله شکوفایی شده و به توانمندی اقتصادی رسیده و در نهایت منجر به اقتدار اقتصادی شود.

### الگوی راهبردی اقتدار اقتصادی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی



**مقوله علی:** با توجه به اینکه مقوله‌های علی علت و سبب ایجاد وضعیت اقتصادی موجود محسوب می‌گردند در این تحقیق پس از بررسی انجام‌شده شش مقوله شامل: وابستگی اقتصادی، عوامل اختلال‌زای داخلی اقتصادی، ضعف در ساختار اقتصادی، ضعف قوانین، ضعف در مدیریت

◆ الگوی راهبردی اقتدار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در ..... ۶۷

اجرائی اقتصادی و تکانه‌های اقتصادی به‌عنوان عوامل علیّ تشخیص داده شدند که لازم است در جهت اصلاح آن‌ها تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی کشور ایجاد شود.

**مقوله محوری:** مقوله اصلی یا محوری که ما را به اقتدار اقتصادی می‌رساند، اقتصاد مقاومتی است.

**مقوله‌های راهبردی:** این مقوله‌ها راهبردهایی برای رسیدن به مقوله محوری که همان اقتصاد مقاومتی است را ارائه می‌دهد. هدف از ارائه مقوله‌های راهبردی اداره کردن، مواجهه، به انجام رساندن، حساسیت نشان دادن به پدیده محوری است. درواقع این مقوله‌ها راهبردهایی در پاسخ به عوامل علی و جهت گذر از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب (پیامدی) می‌باشند. این مقوله‌ها عبارت‌اند از: تقویت اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا، مردمی کردن و دانش‌بنیان کردن اقتصاد است.

**مقوله‌های زمینه‌ای:** این مقوله‌ها که به مقوله‌های محیطی نیز معروف‌اند نشانگر یک سلسله شرایط خاصی است که راهبردهای اقتصاد مقاومتی در رسیدن به اقتدار اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله‌های زمینه‌ای هرچند خود علت و دلیلی برای به وجود آمدن و شکل‌گیری مقوله محوری نیستند اما زمینه‌ها و شرایط محیطی هستند که باعث توجه به اقتصاد مقاومتی می‌شوند و بدون توجه به آن‌ها مقوله‌های راهبردی نمی‌تواند به‌درستی به کار گرفته شوند.

**مقوله واسطه‌ای:** این مقوله‌ها که به مقوله‌های میانجی هم معروف‌اند، نشانگر یک سلسله خاصی هستند که راهبردهای اقتصاد مقاومتی در اقتدار اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و درواقع شرایط میانجی (واسطه‌ای) به‌گونه‌ای دخیل هستند که راهبردها را درون زمینه خاص سهولت بخشیده و یا محدود و مقیدشان می‌کنند که اصلاح الگوی مصرف مقوله واسطه‌ای محسوب می‌شود.

**مقوله پیامدی:** مقوله پیامدی نتیجه و اهداف مورد انتظار از راهبردهای اقتصاد مقاومتی است که در یک مفهوم می‌توان آن را اقتدار اقتصادی نام‌گذاری کرد.

## منابع:

- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، *مجموعه بیانات*، قابل دسترسی در: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، *کالبدشکافی اقتدار ملی*، مرکز تحقیقات امام صادق (ع).
- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، *اقتدار ملی*، چاپ اول، تهران: انتشارات ناجا.
- امیری مقدم، رضا (مهر ۱۳۸۹)، *بررسی نقش مؤلفه‌های اقتصادی در تحکیم و توسعه اقتدار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با ارائه مدل مطلوب*، ماهنامه علمی تحقیقاتی راهبرد بومی، شماره ۱۰۸، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- پارسونز، واین (۱۳۸۵)، *میانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها*، جلد اول، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پژویان، جمشید (۱۳۸۹)، *اصلاح ساختاری در نظام مالیاتی ایران*، فصلنامه پژوهشنامه مالیات، شماره ۸.
- پیغامی، عادل (۱۳۹۰)، *مقاومت اقتصادی یا اقتصاد مقاومتی*، سایت [khamenei.ir](http://khamenei.ir)
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۶)، *قدرت و منافع ملی*، تهران: نشر جمالی، چاپ اول.
- حافظ نیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۵)، *طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها*، فصلنامه ژئوپلیتیک سال دوم، شماره دوم.
- حیدری، محمد، انعامی علمداری، سهراب (۱۳۹۱)، *دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه علوم سیاسی، شماره بیستم.
- خان دوزی، احسان (۱۳۹۱)، *نگاه پدافندی غایت اقتصاد مقاومتی نیست*، همایش اقتصاد مقاومتی، تهران.
- خان دوزی، احسان (۱۳۹۲)، *تجربیات جهانی مقاوم‌سازی اقتصاد*، سایت [khamenei.ir](http://khamenei.ir).
- خادمی، سید موسی (۱۳۹۰)، *تهدیدات اقتصاد ملی*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- خنیفر، حسین (۱۳۹۶)، *روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: انتشارات نگاه دانش.
- سمیعی نسب، مصطفی و همکاران (بهار ۱۳۹۲)، *بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)*، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۲.
- سیف، الله مراد (۱۳۹۴)، *رهیافت‌های اقتصادی تحکیم ساخت درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

- سیف، الله مراد (۱۳۹۵)، *اقتصاد مقاومتی ضرورت‌ها، نقشه راه و زمینه‌های اجرا*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی.
- کالینز، جان ام (۱۳۷۳)، *استراتژی بزرگ: اصول و رویه‌ها*، ترجمه بایندر، کوروش، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، تهران.
- گزارش مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی صنایع ایران، زمستان ۹۲.
- گزارش شاخص‌های ارزیابی اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی کمیسیون اقتصادی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۹۳/۹/۱.
- معمار نژاد، عباس (تابستان ۱۳۸۴)، *اقتصاد دانش‌بنیان: الزامات، ناگرها، موقعیت ایران، چالش‌ها و راهکارها، اقتصاد و تجارت نوین*.
- ماهنامه امنیت اقتصادی (خرداد ۱۳۹۳)، *رهیافت اقتصاد مقاومتی در بهبود فضای کسب‌وکار*.
- ماهنامه امنیت اقتصادی (فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۳)، *ضرورت اتخاذ رویکرد جدید در مبارزه با مفاسد اقتصادی*، شماره ۱ و ۲.
- منتظر ظهور، محمود (دی‌ماه ۱۳۶۹)، *اقتصاد خرد و کلان*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- میر معزی، سید حسین (۱۳۹۱)، *اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)* فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
- نبوی، مرتضی (شهریور ۱۳۹۳)، *سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی*، پاورپوینت.
- واجا (تابستان ۱۳۸۰)، *اقتدار ملی (شاخص‌ها و متغیرهای مقوم یا تحدیدکننده)*، [بولتن]، تهران: مؤلف.
- هوشمند، محمود و همکاران (اردیبهشت ۱۳۸۷)، *ابزارهای اقتصادی تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی از منظر اسلام*، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد.
- یاراحمدی خراسانی، مهدی (۲۷ دی ۱۳۹۲)، *ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت جهادی*، سایت الف.

